

Quranic Storytelling Method in the Story of Prophet Ibrahim

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Maryam Samei¹
Hamid Mohammad Ghasemi^{2*}
Seyed Ahmad Mirian³

How to cite this article

Maryam Samei, Hamid Mohammad Ghasemi, Seyed Ahmad Mirian, Quranic Storytelling Method in the Story of Prophet Ibrahim. *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2020:4(4); 267-277

1. PhD Student, Department of Quranic and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.
2. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran (Corresponding Author).
3. Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

ABSTRACT

Purpose: The purpose of this study was to investigate the method of Qur'anic storytelling in the story of Prophet Ibrahim (AS).

Materials and Methods: This research with a descriptive-analytical method states that the story of Prophet Ibrahim (AS) has used various and valuable methods and methods to achieve his lofty goal (guiding human beings).

Findings: According to the findings, although the main language of the Qur'an is the language of religion and spiritual guidance, but it has also used the story to convey its message as the most appropriate means of expression, transmission of concepts and ideas desired by God to depict events in It is the format of the story. In this way, to transmit human ideals, experiences, thoughts, customs, traditions and values to the future.

Conclusion: The results showed that the most prominent Qur'anic story that is told in an artistic format and in a solid style is the story of Prophet Ibrahim (AS). One of its prominent features is the way the story is processed, which is special and unique. In the story of Ibrahim (AS), using the techniques of storytelling, the lofty goals of the Holy Quran, familiarity with religious culture, education, training, guidance and learning of human beings, are told in the form of a story.

Keywords: Holy Quran, Prophet Ibrahim (AS), Stories, Method.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: ghasemi831@yahoo.com

Article History

Received: 2021/01/20

Accepted: 2021/03/11

ePublished: 2021/03/15

روش قصه پردازی قرآن در داستان حضرت ابراهیم (ع)

مریم سامعی^۱

دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

حمید محمد قاسمی^{۲*}

دانشیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران (نویسنده مسئول).

سید احمد میریان^۳

استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران.

چکیده

هدف: هدف از پژوهش حاضر بررسی روش قصه پردازی قرآن در داستان حضرت ابراهیم (ع) بود.

مواد و روش ها: این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی بیان می دارد که داستان حضرت ابراهیم (ع) از روش ها و شیوه های متعدد و ارزنده ای برای دست یابی به هدف والای خویش (هدایت انسان ها) بهره گرفته است.

یافته ها: با توجه به یافته ها گرچه زبان اصلی قرآن زبان دین و هدایت معنوی است اما از داستان نیز برای ابلاغ پیام خویش بهره برده است به گونه ای که شیواترین ابزار بیان، انتقال مفاهیم و انگاره های مورد نظر خداوند به تصویر کشیدن وقایع در قالب قصه است. تا از این طریق آرمان ها، تجربه ها، اندیشه ها، آداب، سنن و ارزش های انسانی را به آیندگان منتقل نماید.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد پرمودترین داستان قرآنی که در قالبی هنری و با اسلوبی متین بیان شده داستان حضرت ابراهیم (ع) است. از ویژگی های بارز آن شیوه پردازش داستان می باشد که خاص و منحصر به فرد نقل و گزارش شده است. در قصه ابراهیم (ع) با به کارگیری فنون داستان پردازی، اهداف والای قرآن کریم، آشنایی با فرهنگ مذهبی، تعلیم، تربیت، هدایت و عبرت آموزی انسان، در قالب یک داستان بیان شده است.

کلید واژه ها: قرآن کریم، حضرت ابراهیم (ع)، قصص، روش.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۱

* نویسنده مسئول: ghasemi831@yahoo.com

مقدمه

داستان های قرآن تحت تأثیر قوانین هنر بشری نیست. برای داستان هنری شرایطی در نظر گرفته اند: الف) وحدت هنری داشته باشد؛ ب) تا حد امکان در ارائه مطالب از تلمیح استفاده کند نه تصریح؛ ج) هدف و محتوا داشته باشد؛ د) اسلوب داستان باید طبیعی باشد، نه خیلی ساده و نه خیلی مشکل. (۱، ۲) این شرایط صددرصد با داستان های قرآن انطباق ندارد. داستان های قرآنی انعکاس تصورات ذهنی، خاطرات و عواطف خالق آن نیست. روش تبلیغی و تربیتی قرآن خطاب به عقل، باطن و وجدان بشر است که به صورتی همه جانبه، بر او تأثیر می گذارد. قرآن تنها به فضایی خشک منطقی تکیه نکرده؛ بلکه با شیوه ای خاص و فوق العاده به عرصه فطرت آدمی راه یافته و به منطقه پرحرارت وجدان آدمی - جایی که محل ایمان و تحول است - نفوذ کرده است. در داستان حضرت ابراهیم (ع) نیز از روشی خاص و منحصر به فرد بهره گرفته شده است، این روش بدیع قصه را شکوه و جذابیتی خارق العاده بخشیده است و ماجراهای آن را به صحنه تجلی فضایل اخلاقی و ارزشهای متعالی تبدیل نموده است. در داستان ابراهیم (ع) شاهد به کارگیری روش ها و فنون متعددی هستیم، که هم هنری و هم متنوع اند و هم در راستای پیشبرد هدف متعالی قرآن، یعنی القای معانی و مفاهیم ژرف الهی، ابلاغ رسالت انسانی و تصویرگری از سیمای دین پدید آمده این داستان تنها یک کار فنی و هنری صرف نیست؛ زیرا در پس هر یک از این روش ها حقیقتی نهفته که اقمی تازه در جلوی دیدگان مخاطب خواهد گشود. پژوهش های انجام شده به روش های قصه پردازی قرآن در داستان ابراهیم (ع) به صورت گذرا پرداخته است. از جمله: مبانی هنری قصه های قرآن از سید ابو القاسم حسینی (ژرفا). در این کتاب اسلوب، ماهیت و انواع، عناصر، مفاهیم و آثار قصه قرآنی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، همچنین در هر قسمت در صورت ضرورت به داستان ابراهیم (ع) نیز در آن زمینه اشاره شده است. تحلیل عناصر ادبی هنری داستان های قرآن اثر خلیل پروینی. این کتاب نیز به بیان روش های داستان پردازی و شیوه های به کارگیری آن در قرآن کریم پرداخته است. در بعضی قسمت ها داستان ابراهیم (ع) نیز بیان شده است. مقاله ی بررسی و تحلیل سبک ادبی در داستان های قرآن از عباس همایی و مجدت نقوی. این مقاله به بیان سبک داستان های قرآن کریم از جمله: تخاطب و گفت و گو، تقطیع و تکرار، ایجاز و اختصار، بلاغت و فصاحت گفتار پرداخته و در این میان اشاراتی به داستان حضرت ابراهیم (ع) نیز نموده است. سایر آثار نیز ضمن بحث خود اشاراتی گذرا و مختصر در این خصوص داشته اند. از آن جا که اثر مستقلی به روش قصه پردازی قرآن در داستان ابراهیم (ع) اختصاص داده نشده است تحریر این مقاله ضروری به نظر می رسد.

مواد و روش ها

این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی بیان می دارد که داستان حضرت ابراهیم (ع) از روش ها و شیوه های متعدد و ارزنده ای برای دست یابی به هدف والای خویش (هدایت انسان ها) بهره گرفته است.

یافته ها

طباطبایی می گوید: برخی پژوهش گران گفته اند: " قرآن کریم اموری مهم را که از عناصر جوهری قصه اند مسکوت می گذارد؛ زیرا قرآن اسلوب نیکوی هنری را در قصه گوئی حقیقی و فنی برای دست یابی به اهداف خویش برگزیده است. قرآن قصه های رایج را دست مایه سخن می سازد، هر چند که خود، آن ها را صحیح نداند. هنر قصه گوئی هیچ یک از این ها را روا نمی داند، بر این اساس، قصه رساترین و روان ترین ابزار برای دست یابی به مقصود است. اعتقاد این پژوهشگر به جاست، لیکن با قرآن سازگار نیست که جز حق نمی گوید و باطل از هیچ سو در آن راه ندارد." (۵) قصه ابراهیم (ع) حکایت زندگی قهرمانان خود نیست؛ بلکه حکایت زندگی است که به خواننده اعتقاد، ایمان و تکلیف می بخشد و الگویی ارزنده را در مقابل دیدگان او می نشاند.

ب- فرا واقع گرایی

قرآن به بطن واقعیات نفوذ می کند و پس از بازگشت تجلیات خود را به گونه ای روایت می کند که مخاطب هوشمند آن را در سطح مشاهده می کند. نمونه های آن در داستان ابراهیم (ع) عبارتند از: - مواجهه قوم ابراهیم (ع) با وی که می گفتند: " قَالُوا أَجِئْنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِینَ " (انبیاء، ۵۵) زمانی که حضرت از گمراهی آشکار آنان و نیاکانشان می گوید، پاسخ قوم انعکاس این واقعیت است که بت پرستی یک سنت و واقعیت قطعی در آن روزگار بود و هرگز گمان نمی کردند که کسی با آن مخالفت کند، همچنین زمانی که ابراهیم (ع) اقدام به شکستن بت ها می کند، آن را گناهی نابخشودنی دانسته و سخت ترین مجازات ها را برای او تعیین کردند. - در صحنه دیگر قرآن مجاحه ابراهیم (ع) با نمرود را بیان می دارد: " أَلَمْ تَرِ لِی الَّذِی حَاجَّ اِبْرَاهِیْمَ فِی رَبِّهِ اَنْ اَتَاهُ اللّٰهُ الْمَلْکَ اِذْ قَالَ لِاِبْرَاهِیْمَ رَبِّی الَّذِی یُحِبِّی وَ یُمِیْتُ قَالَ اَنَا اَحِبِّی وَ اَمِیْتُ قَالَ لِاِبْرَاهِیْمَ فَاِنَّ اللّٰهَ یَأْتِی بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَاتَّ بَهَا مِنَ الْمَغْرِبِ " (بقره، ۲۵۸) سخن قوم ابراهیم از اوج انحطاط فکری و عقلانی آنان پرده برمی دارد، زیرا با وجود برهان آشکار حضرت در اثبات وجود خدا (زنده کردن و میراندن)، نمرود به راحتی موفق به اغفال آنان شد و حضرت استدلالی دیگر را بیان داشت. - قرآن در صحنه اعطای مقام پیشوایی به ابراهیم (ع) می فرماید: " و اِذْ اَنْتَ لِی اِبْرَاهِیْمَ رَبِّهِ بِکَلِمَاتٍ فَاتَمَّهِنَّ قَالَ اِنِّیْ جَاعِلُکَ النَّاسَ اِمَامًا " (همان، ۱۲۴) " فَاتَمَّهِنَّ " گرچه در ظاهر بیانگر اتمام کارهای محوله توسط ابراهیم (ع) است، ولی با توجه به ادامه آیه که پروردگار به این سبب وی را پیشوای مردم قرار داده از حقیقتی پرده برمی دارد که حضرت تمام آزمایشات را با موفقیت به اتمام رسانده است. - و نیز آیه " رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا اٰمِنًا. " (همان، ۱۲۶) درخواست امنیت مکه توسط ابراهیم (ع) اشاره به نامنی مکه در آن زمان دارد. قصه ابراهیم (ع) در بیان واقعیات دو نوع دلالت دارد: نخست- دلالت ظاهری که حکایت صامت واقعیات است. دوم- دلالت باطنی که از حقایق پنهان آن پرده بر می دارد.

۲- خیال پروری

روش به سه چیز اطلاق می شود:

- ۱- مجموعه طرقی که انسان را به کشف مجهولات و حل مشکلات، هدایت می کند.
 - ۲- مجموعه قواعدی که هنگام بررسی و پژوهش واقعیات، باید به کار برد.
 - ۳- مجموعه ابزار یا فونونی که آدمی را در این مسیر، از مجهولات به معلومات راهبری می نمایند. (۳) بنابراین روش، طریق به کارگیری قواعد، شیوه ها و فنون علمی برای دست یابی به اهداف تعلیمی- تربیتی است، بر این اساس شیوه، فنون، اصول یا قواعد آموزشی از اجزای روش می باشند.
- اکنون مشروحا به بیان روش های قصه پردازی در داستان حضرت ابراهیم می پردازیم:

۱- باز تابش حقایق آشکار و پنهان

قرآن بیان واقعیت است، انعکاس حقایق در این کتاب آسمانی به دو صورت انجام می گیرد که عبارتند از:

الف- واقع گرایی (رتالیسم قرآنی)

قرآن بر واقعی و حق بودن قصه هایش گواهی می دهد. " اِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصُّ الْحَقُّ. " (آل عمران، ۶۷) قصه ابراهیم (ع) در رابطه با روش بیان، زیبایی در ارائه وقایع حقیقی، توانایی در زنده نمودن حادثه و مهارت در طرح قصه سبک ویژه خود را دارد. حلقه های داستان در سوره های انعام، انبیاء، مریم، شعراء و ... به گونه ای است که انگار حضرت از عمق تاریخ آمده و فرزندان خود را در گذشته، حال و آینده مورد خطاب قرار می دهد. مخاطب آن تنها مشرکان نیستند بلکه به مومنان نیز درس حقیقی در زمینه اعتقاد و ایمان راستین می دهد. گوئی حضرت مشرکان مکه را چهره به چهره مخاطب قرار می دهد و عجز و ناتوانی معبودهای ساختگی آنان را عملا به آنان نشان می دهد، سپس به بیان قدرت پروردگار پرداخته که چگونه نیازهای آفریدگانش را مرتفع می سازد، که در آن درسی از ایمان برای مومنان است. در پایان حلقه داستان در سوره شعراء (شعراء، ۶۹-۱۰۲) صحنه قیامت را قرار می دهد، که جزای مسلم مومنان و کافران را به نمایش در آورده است، صحنه ای محسوس و ملموس جهت عبرت آموزی زیرا در نهایت می فرماید: " اِنَّ فِیْ ذٰلِکَ لَآیٰةٍ " (همان، ۱۰۳) در خصوص بنای خانه کعبه می فرماید: " و اِذْ یَرْفَعُ اِبْرَاهِیْمُ الْاَفْوَاعَ مِنْ الْبَیْتِ وَ اِسْمَاعِیْلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا " (بقره، ۱۲۷). آیه در ابتدا خبر از بنای کعبه می دهد، به ناگاه سیاق سخن به دعا تغییر می یابد. " رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا " این سیاق صحنه را زنده و پویا می سازد، رمز این حرکت در حذف یک کلمه است (بقولان). (۴) ابراهیم و اسماعیل (ع) پایه های خانه کعبه را بازسازی می کنند و دعای خویش را نیز به درگاه پروردگار عرضه می دارند. در آیه به جای حکایت، حیات، پویایی و جوش و خروش موج می زند. آنان از پروردگار خویش می خواهند عمل ناچیز آنان را پذیرا باشد، مخاطبی که در صحنه آن را با دل و جان لمس می کند، در می یابد که در مقام بندگی، رعایت تواضع و فروتنی شرط ایمان است. علامه

صحنه وا دارد تا خلأهای موجود را پر کند و در داستان مشارکت فکری و تخیلی داشته باشد

۳- شگفت انگیزی

از عنصر شگفت انگیز تحت عنوان تصادف، حادثه غیرمتمم، عنصر نامعمول، خارق عادت و معجزه نیز یاد می شود. (۸) مخاطب حادثه شگفت انگیز را می پسندد، زیرا او را از دایره محدود توانایی بشری خارج می سازد. نویسندگان برخی موافق و برخی مخالف عنصر شگفت انگیزند. مانند: هنری فیلدینگ که می گوید: " این ها به حق به مثابه داروهای خطرناک در عالم طنبند و از همه این ها می باید با حداکثر احتیاط بهره جست. " (۹) و توماس هاردی که معتقد است: " محال است که عنصر نامعمول از فضای داستان ناپدید گردد. " (همان، صص ۶۷-۶۸) می بینیم که مخالفان استفاده زیاد از این عنصر در داستان را جایز نمی دانند. شگفت انگیزی قصه قرآنی هم عاری از تخیل است و هم پذیرفتنی و لذت بخش. حوادث شگفت انگیز قصه ابراهیم (ع) عبارتند از: اول: زنده شدن پرندگان. (بقره، ۲۶۰) تصور تکه تکه کردن پرندگان و پراکندن آن ها برکوه ها و پیوند مجدد اعضای آنان در بر انگیزختن شگفتی خواننده درباره قدرت بی انتهای خدا نقش دارد و او را به تأمل در آیات دیگر قرآن فرا می خواند، همچون: " اَيَحْسَبُ الْاِنْسَانُ اَلَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ ؛ بَلَى قَادِرِينَ عَلٰى اَنْ نُّسُوِّ بَنَانَهُ. " (قیامت، ۳-۴) موقعیت داستان نیز شگفت انگیز است، زیرا ابراهیم (ع) می خواهد به احیاء مردگان اطمینان یابد، گرچه او پیامبر است. دوم: گلستان شدن آتش بر ابراهیم (ع). (انبیاء، ۶۹) پس از شکستن بت ها، محاکمه و به آتش افکندن ابراهیم (ع)، مخاطب در اوج ناباوری مشاهده می کند که آتش بر ابراهیم سرد و سلامت می شود. سوم: فرزنددار شدن ابراهیم و ساره در پیروی. این امر آن قدر شگفت انگیز است که بشارت فرزند به آن ها موجب تعجب همسر ابراهیم (ع) می گردد. (هود، ۷۲) رسولان فوراً سوابق عنایات و مواهب خاص الهی را بر این خاندان یادآور شدند و به او گفتند: " قَالُوا اَتَعْجِبِينَ مِنْ اَمْرِ اللّٰهِ؛ رَحْمَتِ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتِهِ عَلَیْكُمْ اَهْلَ الْاَيْتِ. " (همان، ۷۳) این نعمت ها تنها آن زمان نبود بلکه ادامه داشته و دارد (برکت وجود پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) در این خاندان). پدیده های جهان بر اساس قانون علی و معلولی استوار است، اما علت العلل همه پدیده ها خداوند است. که خود نیز می فرماید: " اَلَمْ اَمْرُهُ اِذَا اَرَادَ شَيْئًا اَنْ يَقُوْلَ لَهُ كُنْ فَيَكُوْنُ. " (یس، ۸۲). معجزه و کرامت یک تغییراستثنایی در نظام علت و معلولی هستی است، با استفاده از علل ناشناخته ای که علم محدود بشر قادر به کشف آن نبوده است. طرح قصه ابراهیم (ع) برای بیان خوارق عادت نیست؛ بلکه آیتی است جهت عبرت، موعظه و معرفت نسبت به خداوند.

۴- تسلسل زمانی و شیوه چینش رویدادها

قصه های قرآن در سیر وقوع حوادث نیز شیوه منحصر به فرد خود را داراست که عبارتند از:

الف- تسلسل زمانی. قصه های قرآن در شیوه نقل حوادث دو دسته اند: اول- رعایت تسلسل زمانی. در برخی، قصه از دوره ای از زندگی

در قرآن تخیل آفرینش گر راه ندارد، قرآن عناصر واقعی داستان های خود را طوری بیان می کند که تخیلات و عواطف مخاطب را شدیداً برانگیزد. خیال انگیز بودن داستان های قرآن با موارد ذیل در ارتباط است:

نخست: نحوه بیان و تصویرگری و نحوه ارائه آن ها. دوم: صحنه های واقعی عجیب و غریبی که شدیداً تصورات و تخیلات مخاطب را به کار می اندازد. سوم: بریدگی و فاصله در روند ارائه تصویر صحنه ها (۶) چهارم: معانی و افکاری که فطرت سلیم هر انسانی تشنه و جویای آن است. (۷) داستان ابراهیم (ع) مخاطب را به اعماق معارف و مفاهیم خود می کشاند و عهد و پیمان فطری وی با پروردگارش را به او متذکر می شود. صحنه تکلم بی واسطه پروردگار با ابراهیم خلیل الله را به او نشان می دهد و او را به شنیدن ندای " سَلَامٌ عَلٰى اِبْرٰهٖمَ " (صافات، ۱۰۹) و نیز " اِنِّیْ جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا. " (بقره، ۱۲۴) فرا می خواند. در این لحظه مخاطب با خود می اندیشد که آیا من نیز شایسته درود پروردگار و استماع ندای دلنشین محبوب حقیقی خود هستم؟ ندایی بر دلش می نشیند که: آری، این نداها بیگانه نیست، تو در گذشته نیز به ندای " اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ " (اعراف، ۱۷۲، " و اِذْ اَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنیْ اٰدَمَ مِنْ جَوْفُرِهِمْ ذُرِّیَّتَهُمْ وَاَشْهَدَهُمْ عَلٰى اَنْفُسِهِمْ اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوْا بَلٰی " بلی " گفتی، این نداها ریشه در فطرت تو دارد. گاهی مخاطب در خصوص یک موضوع خیال های متعددی را در ذهن می پروراند. در ماجرای شکستن بت ها با توجه به آیه " قَالُوْا مَنْ فَعَلَ هٰذَا بِالْهِنَا اِنَّهٗ لَمِنَ الظَّالِمِیْنَ " (انبیاء، ۵۹) مخاطب به این پیش داوری رسیده که مشرکان ابراهیم (ع) را به این خاطر، موجب اذیت و آزار قرار خواهند داد. در ادامه محاکمه ابراهیم (ع) در ملا عام، مجازاتی سنگین را در ذهن ترسیم می کند، اما با توجه به آیات فَرَجَعُوْا اِلٰی اَنْفُسِهِمْ قَالُوْا اِنَّكُمْ اَنْتُمْ الظَّالِمُوْنَ ؛ ثُمَّ نَكَسُوْا عَلٰی رُؤُسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا هٰؤُلَاءِ یَنْطِقُوْنَ. " (همان، ۶۴-۶۵) توقعی خلاف قبل در ذهن او نقش می بندد، که آنان از تصمیم خود در محکوم کردن ابراهیم بر خواهند گشت، در نهایت با کمال ناباوری و مخالف آن چه در خیال خود پروراند با مجازات غیرمترقبه مواجه می شود. در داستان ابراهیم (ع) شاهد قطع صحنه ها هستیم. این فاصله ایجاد شده ذهن سیال مخاطب را به خیال پردازی و می دارد تا خلا موجود را پر کند. برای نمونه در داستان ابراهیم (ع) و پرندگان (بقره، ۲۶۰) قرآن در نقل اجرای فرمان توسط ابراهیم (ع) ساکت می ماند و آن را را برعهده خیال مخاطب می نهد تا خیال خود را پروازی دهد و مابقی را در ذهن و فطرت خویش بیابد و در نهایت به این واقعیت پی ببرد که آن حضرت به انجام آن امر مبادرت ورزید و به نتیجه هم رسید زیرا در پایان آیه می فرماید که خداوند توانا و حکیم است. و در نمونه ای دیگر در آیه ۶۸ و ۶۹ سوره انبیاء مشرکان می گویند که ابراهیم را در آتش بیندازید. ناگهان خداوند به آتش فرمان می دهد تا بر ابراهیم سرد و سلامت باشد این قطع هنرمندانه خواننده را به طور ناگهانی به میانه صحنه دیگر می برد، او در ذهن خود صحنه آماده سازی جایگاه آتش، جمع آوری هیزم، برافروختن آتش و... را تصور کند. داستان قصد دارد مخاطب را به تأمل و درنگ بین دو

مانند قصه حضرت در سوره هود، حجر و ذاریات: "وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلْنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَمَا لَيْتَ أَنْ جَاءَ بِعَجَلٍ حَنِيدًا" (هود، ۶۹؛ ذاریات، ۲۴-۳۴ و نیز این قصه را بنگرید در: حجر، ۵۱-۶۰). بشارت رسولان به ابراهیم (ع) پس از آن بوده که وی برای آنان غذا مهیا نماید و ایشان نپذیرند و موجب ترس ابراهیم (ع) گردد و سپس حقیقت را بر وی آشکار سازند، اما در قصه مزده دهی در آغاز آمده است. این مطلب را می توان در روال قصه در سوره حجر و ذاریات نیز مشاهده نمود. هرچا نظم طبیعی رویدادها رعایت نشده غرضی خاص در میان بوده است. مثلا در این جا غرض کاستن از فشارهای روانی بر پیامبر اسلام بوده است. پیداست قصه ای که با مزده آغاز می شود در زدودن اندوه کارساز است. قرینه این سخن آن است که سوره هود در فاصله سال اندوه "عام الحزن" و هجرت نازل شده است. دوران بسیار سخت و پرفشار زندگی پیامبر(ص) و دعوت اسلامی. (۱۱) قصه ابراهیم (ع) هندسه دارد، ساختار و نظم دارد، واژه ها به صورت علمی بافته شده اند و اگر در مقطعی به ظاهر از نظم طبیعی خارج شده، هدفی متعالی را در راستای رسالت خویش دنبال می کند.

۵- روایت غیابی

در روایت قصه های تاریخی، دو اسلوب عمده یافت می شوند: الف- روایت غیابی. ب- روایت حضوری در اسلوب غیابی، گوینده قصه روایت کننده حوادث و گزارش گر اخبار و اقوال است، از این رو معمولا کلمه "گفت" تکرار می شود. در اسلوب حضوری، قصه سرا شخصا حضور دارد و اشخاص قصه را در محضر مخاطب خلق می کند تا خود به روایت قصه بپردازند، به همین دلیل کلمه "گفت" به کار نمی رود. قرآن در قصه گویی اسلوب غیابی را برگزیده است. در این اسلوب مخاطب همواره توجه می یابد که با رویدادهایی روبه روست که شخصیت هایشان نقش تاریخی خود را طی کرده اند و اکنون دارای حضور عینی نیستند. البته دارای نوعی حضور پنهان و جاری در قصه اند. سبب گزینش این اسلوب آن است که قرآن می خواهد صادقانه ترین و امانت دارانه ترین شیوه را برای بیان قصه هایش به کار گیرد و راه را بر هرگونه خیال، وهم و نماد غیرحقیقی ببندد. (همان، صص ۴۳-۴۴) در داستان ابراهیم (ع) از واژه "گفت" استفاده شده و تنها در مواردی که هدف بیان ویژگی های حضرت بوده این واژه به کار نرفته است. اسلوب غیابی این احساس را در خواننده به وجود می آورد که هم قصه سرا صادق است و هم قصه بر پایه واقعیت.

۶- سادگی و روانی

داستان ابراهیم (ع) ساده و روان است. این خصیصه ای است که قصه هدفدار از آن بهره مند است تا مخاطبانش دچار ابهام و برداشت نادرست نشوند. به عنوان مثال این سادگی و روانی به خوبی در داستان مناظره ابراهیم (ع) با ماه، ستاره و خورشیدپرستان متجلی است: (انعام، ۷۲-۸۳) ابراهیم نوجوان با زبانی ساده و روان و برهان ابتدایی و به دور از پیچیدگی و فلسفه بافی، قومش را از پرستیدن

قهرمان آغاز گشته و مطابق یک سیر متوالی و منظم پیش می رود و در نهایت با پیروزی قهرمان داستان و غلبه خوبی بر بدی به پایان می رسد. دوم- شکسته شدن وحدت زمانی. در برخی دیگر سیاق کلام اقتضا می کند داستان از درون برش بخورد و برخی پرده های نمایش جا به جا گردد. (۱۰) داستان از برهه ای از حیات شخصیت اصلی آن شروع می شود و به جلو می رود، یک باره به عقب برمی گردد و متن داستان ناگهان تسلسل رویدادها را قطع می کند و خواننده را به رویدادهای قبل از دوران حاضر می برد و به جای زمان عینی از زمان ذهنی بهره می گیرد. آن گاه داستان به جایی که آن را قطع کرده برمی گردد و روایت رویدادهای آن مقطع را پی می گیرد. در داستان ابراهیم (ع) شاهد تسلسل زمانی هستیم. داستان که از دوران جوانی وی آغاز می گردد در سور قرآن به شرح ذیل است: سوره انعام (انعام، ۷۴-۸۱): - اذعان ابراهیم به گمراهی عمو و قومش در پرستش بت ها. - ارائه ملکوت آسمان ها و زمین به ابراهیم. - ارائه حجت و برهان برای ستاره، ماه، و خورشید پرستان جهت دعوت آنان به خداپرستی. - ستیزه قوم با او.

سوره هود (هود، ۶۹-۷۶) و حجر (حجر، ۵۱-۶۰) و ذاریات (ذاریات، ۲۴-۳۷): - ورود فرشتگان بر ابراهیم - بشارت تولد فرزند و عذاب قوم لوط.

سوره مریم (مریم، ۴۱-۴۸): - دعوت عمو به سوی خدا با استدلال و برهان. - تهدید به سنگسار شدن توسط عمو. - وعده طلب آمرزش از خدا برای او. - کناره گیری ابراهیم از عمو و معبودهایش.

سوره انبیاء (انبیاء، ۵۱-۷۰): - دعوت عمو و قوم به پرستش خدا و بیان گمراهی نیاکانشان. - اعراض قوم. - شکستن بت ها - محاکمه ابراهیم. - به آتش افکندن او. - نجات ابراهیم از آتش.

سوره شعراء (شعراء، ۶۹-۸۷): - دعوت از عمو و قوم با دلیل و برهان. - دعاهای ابراهیم.

سوره صافات (صافات، ۸۳-۱۱۳): - دعوت عمو و قوم به ترک پرستش بت ها و یکتاپرستی. - اعراض قوم. - شکستن بت ها. - مجازات آتش و رهایی ابراهیم از آن به مدد حق. - اعطای فرزند به او. - آزمایش ذبح فرزند و سربلندی ابراهیم در این آزمایش. - مزده تولد اسحاق. در این داستان ها گرچه طولانی نیستند و داستان هایی که در سوره های دیگر به صورت گذرا و یا تنها در یک آیه به آن ها اشاره شده است مانند: داستان محاجه با نمروود (بقره، ۲۵۸)، احیای پرندگان (همان، ۲۶۰) و ... مشاهده می کنیم که همان مقدار از داستان که در سوره بیان شده یک توالی منظم را طی می کند. رعایت تسلسل زمانی از مهم ترین اصول قصه گویی در قرآن محسوب می شود ولی شکست زمانی نیز اسرار هنری خاص نهفته در خود رادارد.

ب- شیوه چینش رویدادها

قصه های قرآن در چینش رویدادها دو رویه دارند: ۱- چینش مستقیم یا به ترتیب توالی وقوع. ۲- چینش غیرمستقیم یا به خلاف ترتیب طبیعی وقوع. (۱۱) در داستان ابراهیم (ع) شاهد چینش مستقیم رویدادها هستیم ولی چینش غیرمستقیم نیز در آن به چشم می خورد.

ردیف	موضوع
مرحله اول	دعوت عمو و قومش به سوی خدا با دلایل منطقی و محکم
مرحله دوم	اعراض عمو و قومش از پذیرش دعوت او
مرحله سوم	بت شکنی ابراهیم
مرحله چهارم	بازگشت قوم و مواجه شدن با صحنه بت‌های شکسته شده
مرحله پنجم	محاكمه ابراهیم و دفاع حضرت از خود
مرحله ششم	به آتش افکندن ابراهیم
مرحله هفتم	یاری خداوند و گلستان شدن آتش بر حضرت
مرحله هشتم	مواجهه ابراهیم با ستاره، ماه و خورشیدپرستان
مرحله نهم	مواجهه ابراهیم با پادشاه زمانه اش برسر مسئله ربوبیت و در نهایت تحیر پادشاه
مرحله دهم	درخواست اطمینان قلب از خدا، کشتن پرندگان توسط او و احیای آنها به اذن خدا
مرحله یازدهم	بشارت تولد فرزند توسط ملائکه و اعطای فرزند به او و خیر عذاب قوم لوط
مرحله دوازدهم	اسکان هاجر و اسماعیل در بیابان بی آب و علف مکه.
مرحله سیزدهم	آزمایش ذبح اسماعیل و سربلندی ابراهیم و اسماعیل در این آزمون
مرحله چهاردهم	تجدید بنای کعبه توسط ابراهیم و اسماعیل

این مراحل به تناوب در قرآن آمده اند: برخی یک بار، برخی دو بار و برخی چند بار. در سوره انبیاء (انبیاء، ۵۲-۷۰) و صفات (صفات، ۸۵-۹۸) مراحل اول تا هفتم دوبار آمده است. از مقایسه این مراحل در دو سوره مزبور و نیز سوره شعراء (شعراء، ۶۹-۸۲) که تنها مراحل اول و دوم را ذکر می کند و سوره عنکبوت (عنکبوت، ۱۶-۲۴) که تنها تشریح و انذار حضرت و مجازات وی بیان شده است، روشن می شود که در هر یک نمایی انتخاب شده که با پیام و مقصود آن قصه تناسب داشته باشد. در این سور سوال ابراهیم (ع) از عمو و قومش درباره چپستی بت ها و ابطال بت پرستی است. منتها در سوره شعراء قسمت نظری ابطال تفکر بت پرستی بسط داده شده است. " همان خدایی را می پرستم که مرا آفرید و هدایت کرد و ... " (شعراء، ۷۸-۸۰) و در سوره انبیاء درس عملی که ابراهیم خلیل الله به بت پرستان می دهد (شکستن بت ها) مبسوط گشته است. (۱۶) مراحل هفت گانه فوق در سوره صفات نیز بیان شده است ولی سوره انبیاء از جزئیات بیشتری پرده برداری می کند، از خلال گفت و گوها مشخص می شود که مردم شهر از مخالفت حضرت ابراهیم با بت ها باخبر بوده و پس از مطلع شدن از شکستن بت ها ابراهیم را مقصر می شناسند. آیه سن تقریبی ایشان را هم مشخص می کند: " سَمِعْنَا قَتِي يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ اِبْرَاهِيمُ " (انبیاء، ۶۰) قتی- جوان و کم سن و سال. بت پرستی آن قدر رواج یافته که سنت عمومی شده و هتک حرمت آنها هرگز قابل عفو و گذشت نیست به همین منظور وی را در دادگاه عمومی محاکمه می کنند و ... در مرحله ششم در

ستاره، ماه و خورشید باز داشته و آن ها را به پرستش خداوند یکتا دعوت نموده است. با دقت در این داستان به وجود ویژگی دیگری در آن پی می بریم و آن ویژگی تمثیلی بودن داستان است. زیرا ابراهیم با این تمثیل و رد دیگر خدایان به پرستش خداوند یکتا دعوت نموده است. (۱۲) داستان ابراهیم (ع) با وجود معارف ژرف و مفاهیم عمیق از عباراتی روان و جملاتی شیوا برخوردار است، زیرا خداوند از شرح این داستان به دنبال تحقق هدف تعلیمی و تربیتی خویش است و این در گرو درک الفاظ و معانی داستان است. به همین خاطر در میان حروف و واژگان قصه، نه تنافری دیده می شود و نه از زشتی و زمختی رنج می برند، بلکه مانند آب روان، عسل شیرین و نسیم صبحگاهی بی نهایت دل نوازند. قرآن در عین سادگی و روانی الفاظ و عبارات آن معجزه است، چرا که سالیان متمادی بشر را به همآوردی دعوت نموده است، ولی بیان می دارد: " قُلْ لئن اجتمعت الائنس و الجن علی ان یاتوا بمثل هذا القرآن لا یأتون بمثله و لو کان بعضهم لبعض ظهیرا. " (اسراء، ۸۸)

۷- تکرار

قرآن از این روش استفاده می کند تا درون مایه هایی چون توحید، رستخیز و ارزش های اخلاقی و مفاهیمی از این دست را در اذهان مردم تثبیت نماید. تدریجی بودن نزول قرآن نیز دلیلی دیگر بر این پدیده است، قصه به تناسب اقتضا و ضرورت گاه به صورت اشاره ای و گاه مختصر و گاه به صورت تفصیلی و جهت صیقل دادن به قلب و روح مسلمین به وسیله تجدید موعظه و ناسخ پس از منسوخ نقل گردیده است. (۱۳) به تعبیر امام خمینی قرآن کتاب سیر و سلوک الی الله و کتاب توحید و معارف و مواظ و حکم است و در این امور تکرار مطالب مفید است تا در همه نفوس و قلوب تأثیر کند. ای بسا قلوبی با تخویف و انذار متناسب اند و قلوبی با وعده و تبشیر سروکار دارند و نفوسی با قصص و حکایات و تواریخ سروکار دارند و قلوبی دیگر به اخذ تعالیم به صراحت لهجه و القاء اصل مطلب به طور ساده آماده تر باشد. (۱۴) انگیزه اصلی تکرار در قصه های قرآن، تکمیل تصویرها و افزودن به قدرت تجسم از طریق آوردن عناصر نو به تناسب فضای بازگویی قصه است. تکرار بجا از اسالیب فصاحت و بلاغت گفتار است، که بر زیبایی و وجاهت کلام می افزاید. داستان های قرآن به صورت پراکنده در قرآن پخش است. در داستان ابراهیم (ع) تأکید بر تصویرگری توحید و طرد بت ها با ادله و منطق و دعوت به ترک تقلید و ... در سوره های مختلف که در آن ها آمده بنا به اقتضای بیان و بافت کامل شده و هیچ یک از حلقه ها نه تکرار محض هستند و نه مستقل از یکدیگرند و در سوره ها بر اساس روابط بیانی تصویری و فکری در سبک قرآنی پراکنده شده تا خواننده با حوادث داستان ارتباط پیدا کرده با رویدادهای دینی در تعامل باشد. (۱۵) در قرآن کریم زندگی ابراهیم (ع) از هنگام جوانی تا کهنسالی طبق جدول ذیل چنین تصویر گشته است:

این نماها مکمل یکدیگرند، مثلا در مقایسه داستان در سوره هود و حجر ناگفته های سوره هود در این جا بیان می شود. در سوره هود بعد از مطمئن ساختن ابراهیم مهمانان مأموریت خود را بیان کردند، سپس از بشارت به همسر ابراهیم (ع) سخن به میان آمده. در این روایت گفت و گوهای بین ابراهیم (ع) و فرشتگان که در سوره هود حذف شده است کامل گزارش شده است. ابتدا بشارت فرزند داده می شود، سپس تعجب ابراهیم (ع)، فرشتگان آن را رحمت خدا بر آنان می دانند. از واکنش همسر ابراهیم سخنی به میان نیامده، اما با توجه به سوره هود دلیل خنده همسر ابراهیم (ع) که در آن جا ذکر شده بود آشکارتر می شود و ... مرحله هشتم، نهم، دهم، دوازدهم، سیزدهم و چهاردهم، تنها در یک جایگاه شاهد تصویرگری آن ها هستیم، پس اصولا تکراری در کار نیست. قصه ابراهیم (ع) حکایت نقل به معناست، پس دست راوی باز است که از هر لفظی که در راستای مقصود اوست استفاده کند، تمامی گفتار را نقل کند یا بخشی از آن را، گفتار را به شکل های مختلف حکایت نماید؛ زیرا هدف از نقل حکایت در این داستان معانی و مفاهیم است به همراه نوآوری.

۸- ایجاز

ایجاز خلاصه کردن برخی از الفاظ به منظور موجز کردن کلام است. قرآن در نقل ماجراها تنها بخش های گزینش شده را آن هم به صورت خلاصه و پیراسته از جزئیات کم اهمیت بازگو می کند. گاه در چپش این بخش ها پیوستگی داستان لحاظ نمی شود و تکیه بر نقاط مهم و کلیدی است. (۱۸) در داستان ابراهیم (ع) نیز به گزینش مطالب بسنده کرده و به سبک اشارت عمل می نماید. ایجاز در داستان ابراهیم (ع) شامل موارد ذیل است: در جریان گفت و گوی ابراهیم (ع) با قومش، ابراهیم (ع) با روش های گفت و گوی دیگری نیز با آن ها سخن گفته ولی قرآن تنها به ذکر دیدگاه و اعتراضشان به ابراهیم اکتفا کرده و شاید دلیلش این بود که در ضمن پاسخ به ابراهیم نقطه نظراتشان مشخص می شده و یا اینکه تفکر شرک به طور کلی روشن بوده است. در سوره صافات (صافات، ۸۴-۹۸) داستان از زمان علنی شدن رسالت ابراهیم (ع) شروع می شود و واقعه مهمی را حکایت می کند. ابراهیم (ع) نگاهی به ستارگان کرد و گفت: من بیمارم. از این که چه کاری از او خواسته بودند و به کجا رفتند، اطلاعی یافت نمی شود. (متون تفسیری بیان می دارد که روز عید بوده و مردم برای جشن به خارج از شهر رفته و از ابراهیم نیز خواسته بودند که او نیز در جشن شرکت کند. (۵) در ادامه آیات پس از شکستن بت ها و آگاهی قوم او، راوی گفته های قوم را حذف می کند و به بیان حجت های ابراهیم (ع) برای هدایت آن ها می پردازد، سپس از مجازات ابراهیم (ع) باخبر می شویم. راوی از عملی شدن مجازات ابراهیم چیزی نمی گوید، بلکه می گوید که او از کید آنها نجات یافته است. در ماجرای شکسته شدن بت ها، می بینیم که تفاسیر جزئیاتی را در این زمینه ارائه داده اند که قرآن از پرداختن به آنها خودداری کرده است، از جمله: نابودی بت ها، شجاعت ابراهیم (ع) و مفاهیم دیگری که ابراهیم قلبا شیفته ابراز

سوره عنکبوت (عنکبوت، ۲۴) هدف فراهم کردن زمینه آرامش خاطر و اطمینان قلب پیامبر اسلام (ص) می باشد. خداوند جهت تسکین و تقویت روحی پیامبر (ص) و اطمینان بخشیدن به او و پیروانش برای دست یابی به پیروزی، به بیان داستان هایی از انبیاء گذشته می پرداخت زیرا در پایان می فرماید: در این برای مومنان عبرت‌هاست. (۱۷) مرحله هفتم، یاری خداوند نیز در سوره انبیاء مفصل تر بیان شده، این جا از خطاب تکوینی پروردگار به آتش پرده برمی دارد و بیان کننده این سخن خداوند است که: **لَنْ يُصِرُّمُ اللَّهُ فُلًا غَالِبٌ لَكُمْ**" (آل عمران، ۱۶۰) این مرحله در سوره انبیاء جلوه ای تازه دارد و آن این که این فقط به لطف و عنایات خاص پروردگار انجام گرفته و همان تصویر سوره صافات را شرح و تکمیل می کند؛ یکی تلویحا از نبرد حق و باطل سخن می گوید و دیگری علاوه بر آن از مشیت و قدرت الهی و خطاب تکوینی وی. در مورد دعوت پدر و قوم ابراهیم (ع) در سوره زخرف (زخرف، ۲۶-۲۸) نیز اشاره ای رفته است؛ اما تنها جنبه یادآوری و تذکار دارد.

داستان از دعوت عمومی ابراهیم (ع) به تنهایی نیز سخن گفته، در سوره انعام (انعام، ۷۴) به صورت گذرا و در سوره مریم (مریم، ۴۱-۴۸) مفصل ذکر شده است. در سوره انعام جنبه یادآوری و در سوره مریم (موضوع آن ارتباط انسان با خدا و نتیجه این ارتباط خالصانه است که به صورت رحمت و نعمت متجلی می شود. جنبه پند آموزی دارد). در سوره مریم آن چه پیش از این روایت شده، راوی قصه با تمرکز بر آن موقعیت جزئیات را تصویر می کند. مرحله یازدهم (بشارت فرزند) در سه سوره هود (هود، ۶۹-۷۶) ، حجر (حجر، ۵۱-۶۰) و ذاریات (۲۴-۳۳) را در جدول ذیل بیان شده است:

سوره هود	سوره حجر	سوره ذاریات
ورود فرشتگان و بشارت	ورود فرشتگان	ورود فرشتگان و عدم بشارت
پذیرایی ابراهیم از مهمانان	پذیرایی ابراهیم از مهمانان	شناخت آنان
ترس ابراهیم به خاطر عدم تناول غذا توسط مهمانان	بیان ترس ابراهیم بدون ذکر علت	بیان ترس ابراهیم بدون ذکر علت
بیان علت ورود (عذاب قوم لوط)		
بشارت تولد اسحاق	بشارت تولد فرزند	بشارت تولد فرزند
تعجب همسر ابراهیم	تعجب همسر ابراهیم	تعجب همسر ابراهیم و عکس العملش
بیان رحمت خدا بر آنان توسط فرشتگان	بیان رحمت خدا بر آنان توسط فرشتگان	بیان رحمت خدا بر آنان توسط فرشتگان
مجادله ابراهیم		
بارسولان در مورد عذاب قوم لوط و قطعیت عذاب	بیان عذاب قوم لوط	بیان عذاب قوم لوط و چگونگی آن

که وافی و کافی برای تمام مقصود و متناسب با مقام و موقعیت شنونده و مقتضیات روحی او و متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی باشد هنگام تردید شنونده با تأکید کلام را بگوییم و اگر انکار و تردیدی نباشد از اصرار و تأکید و اطناب پرهیز نموده سخن را با آرامش به وی برسانیم و ... چنین سخنی هادی و رسا خواهد بود. قصه ابراهیم (ع) در اوج فصاحت و بلاغت است. قرآن می فرماید: "فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ" (بقره، ۲۳؛ یونس، ۳۸) یک جنبه از این مبارزه طلبی فصاحت و بلاغت قرآن است. آیا می توان داستان ابراهیم (ع) را بهتر از این ساخت و پرداخت؟ مسلماً نه. به عنوان نمونه: در سوره ذاریات آیه ۲۵ می فرماید: "إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ" هنگامی که فرشتگان بر ابراهیم (ع) وارد می شوند، عبارت "سَلَامًا" منصوب به فعل محذوف است و در تقدیر چنین است: "نسلم علیکم سلاماً". سلام مبتدا و خبر آن محذوف است و در اصل مرفوع بوده یعنی "علیکم سلام" یا "سلام علیکم". (۲۰) این جمله اسمیه بر ثبوت و دوام دلالت دارد و این حرکت تعبیر اخلاق ابراهیمی را نشان می دهد که سلام را با عبارتی محترمانه پاسخ می دهد و این نکته بلاغی در نقل یک گفت و گوی ساده می تواند حامل پیام بزرگی باشد. از جمله این که ابراهیم (ع) می خواست تحتی فراتر از تحت آنان بگوید. یکی از شیوه های بلاغت استفاده از جملات پرسشی (استفهام) به جای جملات خبری است. غرض سوال کننده از طرح پرسش خود کسب خبر است اما قرآن نه برای طلب خبر، بلکه برای تأثیر کلام خود در مخاطب از جملات پرسشی استفاده می کند و قصد دارد مخاطب را به تفکر و تعقل در موضوع ارائه شده وا دارد. استفهام تقریری در خواننده کشش و انگیزه ایجاد می کند که داستان را پی گیرد. داستان ابراهیم (ع) در سوره ذاریات با این مقدمه استفهامی آغاز می گردد. "هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ" (ذاریات، ۲۴) بدیهی است که این استفهام برای کسب خبر نیست که او از همه اسرار آگاه است؛ بلکه به تعبیر معروف "استفهام تقریری" یا استفهامی است که مقدمه یک خبر مهم است همان گونه که در زبان روزمره هنگام شروع به یک خبر مهم می گوئیم آیا این خبر را شنیده ای که...؟ این تعبیر یک نوع استفهام است برای زمینه چینی و آماده کردن نفس ها و گوش ها تا این که قصه را به خوبی دریابند و عاشقانه مایل به دریافت آن شوند. این مورد در قرآن کریم به شیوه "ایاک عنی و اسمعی یا جاره" نازل شده است، که مخاطب واقعی غیر از مخاطب ظاهری است. در این داستان خدای متعال از پیامبر (ص) می پرسد که: آیا داستان مهمانان ابراهیم به او رسیده است؟ در این جا گرچه به ظاهر پیامبرش را مورد خطاب قرار داده، ولی در اصل روی خطاب همه خوانندگان قرآن است، قرآن این استفهام تقریری را مقدمه ای قرار می دهد که مخاطبان را تحریک نموده، در آنان جهت بی گیری داستان اشتیاق ایجاد نماید تا سرانجام خبر خویش را گزارش دهد.

۱۰- شروع ناگهانی و پایان هنری

برخی از داستان های قرآن در یک حالت ناگهانی خاص به نمایش درمی آید. داستان ابراهیم (ع) خواننده را یکباره بر سر قصه می برد

آن ها در برابر بت پرستان است تا ساده لوحی و غفلت آنان را به آن ها بنمایاند. در جریان شکستن بت ها حوادث دیگری نیز وجود دارد که مخاطب باید از آنها مطلع گردد زیرا قرآن حادثه فرعی را شرح نمی دهد، مگر زمانی که با ساختار هندسی قرآن مرتبط بوده یا مفهومی هنری و تأثیرگذار را دارا باشد؛ یکی تهدید ابراهیم (ع) مبنی بر چاره اندیشی در خصوص بت های آنان و دیگری سالم گذاشتن بت بزرگ. این دو موقعیت با یکدیگر و با موقعیت های قبلی و بعدی داستان در ارتباط است. می بینیم که قرآن آن جا که بیان رخدادی مهم مخاطب را به سمت و سوی درک هدف داستان سوق می دهد در بیان آن تردید نمی کند و آن جا که مطالب انحرافی مخاطب را از آن سمت و سو دور کند ساکت می ماند. همچنین در آیه شریفه "قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ" (صافات، ۹۵) قرآن اصل معنا را با فشردگی معجزه آسای بیان داشته که خود نشان از این است که قرآن وحی الهی است. نمونه دیگر در محاجه ابراهیم (ع) با نمرود (بقره، ۲۵۸) از معنای ظاهری آیه این مفهوم به دست می آید که بین نمرود و ابراهیم (ع) در مورد پروردگار ابراهیم سخنانی بیش از آن چه در این جا بیان شده رد و بدل شده است. نمرود از ابراهیم (ع) پرسید: اگر تو این بت ها را نمی پرستی پس پروردگار تو کیست؟ ابراهیم (ع) پاسخ می دهد که پروردگارش خدای یگانه است. اما نمرود مدعی بود که وی خدای ابراهیم (ع) و دیگران است. اگرچه در این قسمت از آیه شریفه به گفت و گوی مذکور صریحاً اشاره نشده است اما به نظر می رسد در تقدیر چنین باشد؛ مانند سؤالی که فرعون در اولین برخورد با موسی و هارون درباره خدایشان می کند. "قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَى" (طه، ۴۹) هنگامی که نمرود ادعا می کند که می میراند و زنده می کند، ابراهیم (ع) چگونگی این عمل را از او سؤال کند و پادشاه نیز پاسخ هایی ارائه دهد، اما این که کدام یک قانع شده معلوم نیست، گرچه با توجه به ادامه آیات روشن می شود که هیچ کدام دیگری را قانع نکرده است و گرنه ابراهیم برای مجاب کردن پادشاه استدلالی دیگر (مسئله طلوع خورشید) را مطرح نمی کرد. ولی عدم طرح این جزئیات خللی به داستان وارد نمی کند، چرا که مخاطب در نهایت به سربلندی ابراهیم (ع) در این محاجه، تحیر پادشاه و ضلالت وی پی می برد و ماجراهای ماقبل برایش قابل پیش بینی است. در متون تفسیری در خصوص ماجراهای دیگر داستان نیز به مطالبی اشاره شده که در قرآن شاهد آن نیستیم. قرآن در نقل قصه تا جایی به جزئیات می پردازد که روزنه ای از تاریکی ها به سوی نور بگشاید. این روش تأثیر به سزایی در مخاطب دارد زیرا برحقایق و موضوعات اعتقادی، اخلاقی و سنت های حاکم بر جهان یا قوانین بشری تکیه می کند.

۹- فصاحت و بلاغت

از آن جا که کلام وسیله انتقال مافی الضمیر به دیگران است، هرچه این وسیله محتوا و مفهوم خود را سریع تر و کامل تر به ذهن مخاطب انتقال دهد و از عیوبی که به انتقال سریع آن نقص و خلل وارد می کند مبرا باشد، بهتر است و چنین کلامی در اصطلاح علمای معانی و بیان "فصیح" نامیده می شود. (نصیریان، ۱۳۸۰، ص ۳۰) در تعریف بلاغت نیز گفته اند: سخن خویش را به گونه ای تنظیم کنیم

فصلنامه علمی-پژوهشی سبک زندگی با محوریت سلامت

3. Sarukhani, Baqir (1991), Encyclopedia of Social Sciences, Tehran: Kayhan Publishing Organization, first edition.
4. Qutb (1980), Technical Image of Artistic Performance in the Quran, Translated by Mohammad Ali Ebadi, Tehran, Enghelab Publishing Center, Ferdowsi St., Atabak Alley, Naseri Passage, Ham Yaran Pakhsh, Daneshmand Publications.
5. Tabatabai, Mohammad Hussein (1983), Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, translated by Seyyed Abolghasem Hosseini (Jorfa), Tehran, Islamic Library, fourth edition.
6. Parvini, Khalil (2000), Analysis of Literary and Artistic Elements of Quran Stories, Tehran, Farhang Gostar, First Edition.
7. Atef Al-Zain, Sami. (1998), Stories of the Prophets in the Qur'an, Beirut, Lebanese Library, fourth edition.
8. Jafari, Hossein Ali (1997), Artistic Study of the Best Quran Story, Tehran, Hozeh Honari, First Edition.
9. Alut, Miriam. (1989), a novel narrated by novelists, translated by Ali Mohammad Haghshenas, Tehran, Markaz Publishing.
10. Iraqi activist Hussein. (1999), Quran Stories in Al-Mizan, Tehran, Sobhan Publishing, Second Edition.
11. Hosseini Jorfa, Seyed Abolghasem. (1999), Artistic Basics of Quran Stories, Qom, Dar al-Thaqalin, second edition.
12. Prandoji, Naeema; Advice, Venus. (2009), Artistic Effects of the Story of Prophet Ibrahim in the Quran, Fifteenth Year, No. 59-60.
13. Zaghoor, Saad (2010), The Role of the Quran in the Evolution of Literary Criticism, Translated by Ali Ausat Ebrahimi, Qom, Book Garden Institute, Second Edition.
14. Khomeini, Ruhollah (2011), Adab al-Salwa, Tehran, Imam Khomeini Publishing

وجود دارد که عبارتند از: - عدم هدایت ستمگران پس از محاجه ابراهیم با نمرود. "وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِيْنَ" (بقره، ۲۵۸) - توانگری و حکمت پروردگار پس از ماجرای احیای پرندگان. "اِنَّ اللّٰهَ عَزِيْزٌ حَكِيْمٌ" (همان، ۲۶۰) - هدایت مؤمنان توسط پروردگار پس از محاجه ابراهیم با ستاره، ماه و خورشیدپرستان. "الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَّلَمْ يَلْبِسُوْا اِيْمَانَهُمْ بِظُلْمٍ اُولٰٓئِكَ لَهُمُ الْاٰمَنُ وَّهُمْ مُّهْتَدُوْنَ" (انعام، ۸۲) - حتمیت عذاب کافران پس از ورود فرشتگان بر ابراهیم. "يٰۤاِبْرٰهِيْمُ اَعْرَضْ عَنۡ هٰذَا اِنَّهٗ قَدْ جَاءَ اَمْرٌ رَبِّكَ وَاِنَّهُمْ اٰتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُوْدٍ" (هود، ۷۶) "قَالُوْا اِنَّا اُرْسَلْنَا اِلٰى قَوْمٍ مُّجْرِمِيْنَ ؛ اِلَّا اَلۡلُوطُ اِنَّا لَمُنۡجُوْهُمْ اَجْمَعِيْنَ ؛ اِلَّا اَمْرَاۡتَهُ قَدَرْنَا اِنۡهَآ لَمِنَ الْغٰبِرِيْنَ" (حجر، ۵۸-۶۰) "قَالُوْا اِنَّا اُرْسَلْنَا اِلٰى قَوْمٍ مُّجْرِمِيْنَ؛ لَنُرْسِلۡ عَلَيۡهِمْ حِجَابًا مِّنۡ طِيْنٍ؛ مَّسُوْمَةً عِنۡدَ رَبِّكَ لِّلۡمُتَّسِرِيْنَ" (ذاریات، ۳۲-۳۴) - علم و حکمت پروردگار پس از ورود رسولان بر ابراهیم. "اِنَّهٗ هُوَ الْحَكِيْمُ الْعَلِيْمُ" (همان، ۳۰) - اعطای پاداش به نیکوکاران پس از ذبح اسماعیل. "كَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِيْنَ" (صافات، ۱۱۰) - مدد حق به نیکوکاران و مؤمنان پس از ماجرای بت شکنی ابراهیم. "فَاَرَادُوْا بِهٖ كَيْدًا فَجَعَلۡنَاھُمْ اِلٰسۡقَلِيْنَ" (همان، ۹۸) "قُلْنَا يٰۤاِبْرٰهِيْمُ اِنَّا اُرْسَلْنَا اِلٰى قَوْمٍ مُّجْرِمِيْنَ؛ لَنُرْسِلۡ عَلَيۡهِمْ حِجَابًا مِّنۡ طِيْنٍ؛ مَّسُوْمَةً عِنۡدَ رَبِّكَ لِّلۡمُتَّسِرِيْنَ" (ذاریات، ۳۲-۳۴) - مخاطب مدد می رساند تا به پیام نهفته در داستان پی ببرد.

نتیجه گیری

- داستان حضرت ابراهیم که اهداف دینی، تربیتی و انسان ساز دارد به شکلی کاملاً هنرمندانه و در قالب تکنیک های داستان پردازی به شیوه ای خاص و خارق العاده نقل و گزارش شده است. داستان از روش های متعددی جهت دست یابی به هدف اصلی خویش (هدایت انسان ها) بهره جسته است. پروردگار با اسلوبی متین و مستحکم روش ها و شیوه های رخدادها را نمایش می دهد، آن گونه که شیوه منحصر به فرد قرآن است. واقع گرایی، خیال پروری، شگفت انگیزی، روایت غیابی قصه، نقل مستقیم و غیرمستقیم رویدادها، تکرار، ایجاز، شبهه زدایی و اسلوب های دیگر بیانگر وجود هنر داستان پردازی در این قصه است که امروزه در نقد نوین ادبیات داستانی به آن پرداخته شده است. روش ها و فنون هنری و متعدد داستان در جهت تفهیم معارف ژرف الهی به کار گرفته شده اند. محور اصلی تمامی این روش ها رضا، تسلیم، اخلاص، سپاس، صبر و استقامت است که در جای جای داستان متجلی می شود. داستان ابراهیم (ع) حق، واقعی و تاریخی است و به روش غیرمستقیم به راه راست هدایت می کنند.

References

The Holy Quran

1. Bakri, Sheikh Amin. (1994), Technical Interpretation in the Qur'an, Beirut, Dar al-Alam al-Malayin, first edition.
2. Naji Mashrah, Mohammad (1992), Al-Afaq Al-Faniyah in the Story of the Quran, Al-Madinah Al-Munawara for Publishing and Distribution, First Edition.

and Arrangement Foundation, 18th edition

15. Muhaddisi, Javad (Bita), Art in the Realm of Wisdom, Islamic Propaganda Office Publications, Second Edition.
16. Salimi, Bashir. (2016), The Structure of Narrative Dialogues of Holy Quran Stories, PhD Thesis, Quran and Hadith University.
17. Kazemi, Shahab (2000), Artistic Creation in the Story of Ibrahim (AS), Qom, Ahsan Al-Hadith Publications, First Edition.
18. Knowledge, Mohammad Hadi (2008), Story in the Quran, Translated by Hassan Kharghani, Qom, Prepared.
19. Safari, Hamza (2002), An Introduction to the Dialogue of Prophets with Nations (The Rise and Fall of Civilizations in the Qur'an), Hamedan, Noor Alam Publications, First Edition.
20. Tabari, Abu Ja'far Muhammad ibn Jarir. (1412 AH), Jame 'al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Beirut, Dar al-Ma'rifah, first edition.
21. Farrokhi, Hussein (2017), Theatrical structure of Quranic stories, Tehran, Surah Mehr Publishing Company, first edition.